

احمد خانی و منظومه «مهم و زین»

عبدالحمید حسینی

خانی که از ستارگانِ قَدَرِ اول آسمان ادبیات کُردی به شمار است در قرن یازدهم هجری چشم به جهان گشود. بنا به گفته مینورسکی خاور شناس روسی در این چند قرن اخیر مادر دهر چنین شاعری را به خود ندیده و هیچ یک از شاعران کرد نتوانسته‌اند خود را به گرد خانی برسانند.

خانی در زمان خود یگانه تاز میدان علم و ادب بوده و بیش از صد نفر طلاب علوم دینی در حلقهٔ درس وی تلمذ می‌کرده‌اند.

خانی به زبان و ادبیات عربی و فارسی نیز مسلط بوده و به هر دو زبان دیوان شعر داشته، لکن اشعار فارسی و عربی وی به صورت پراکنده و متفرق در حواشی و تعلیقات کتب علمی و دینی آن زمان نوشته شده است، و روی این اصل دسترسی به اشعار فارسی و عربی وی مشکل است. در میان خاورشناسان و پژوهشگران تنها رودنکو و امین زکی بگ از اشعار فارسی و عربی خانی یاد می‌کنند.

شعرای کرد بالاتفاق معترف به خداوندگاری خانی در عالم شعر و ادبیات می‌باشند و همگی در مقابل وی سر تعظیم فرود آورده از وی باکرتش یاد می‌کنند. چنانکه حاج قادر کویبی که در قرن سیزدهم هجری

زندگی می‌کرده، خانی را شاهباز فضای علین خوانده می‌گوید :
 نه‌حمده‌دی‌خانی‌ساحیچی‌مم‌وزین شاهبازی‌فه‌زای‌علین
 ترجمه فارسی :

احمد خانی صاحب مم و زین - شاهباز فضای علین .
 و نیز همو گوید :

لهمه‌جموعی‌دووه‌ل‌سوران‌و‌بو‌تان

له‌سایه‌ی‌ئهم‌کتیبه‌ناسراوه

ترجمه فارسی :

در مجموع دول سوران و بوتان در سایه این کتاب شناخته

شده است .

هدژار، شاعر معاصر، خانی را این چنین می‌ستاید :

زور زانی و بییر و ویژه‌وانی پارچیکه بزا به به‌زنی‌خانی

خانی‌وه‌کو‌زورژه،‌تیشکی‌داوی پی‌ناوی‌بدهم‌په‌سندی‌تاوی

ئهو‌باغی‌گولان‌و‌من‌بزارم بییر‌له‌و‌ده‌که‌م‌وده‌لیم‌ه‌زارم

ترجمه فارسی :

دانشمندی و اندیشمندی و شاعری، جامه‌پی است که بر قامت

خانی بریده‌اند .

خانی‌مانند‌خورشید‌است،‌نور‌افشانی‌می‌کند،‌شایسته‌نیست‌من

خورشید را ستایش گویم .

او باغ‌گل است و من وجین‌ام و به‌وی‌می‌اندیشم،‌به‌خود‌می‌گویم

سیه‌چاره‌ام .

دریغا شخصی بدین بزرگی مقام شرح حال و تاریخ زندگیش ناقص

و بر ما مجهول است، آنچه از شرح حال خانی به دست ما رسیده قطره‌یی است از دریا و اندکی است از بسیار .

استاد احمد بن الیاس بن رستم بیگک مشهور به خانی بنا به شواهدی که از آثار وی در دست است به سال ۱۰۶۱ هجری برابر با ۱۶۵۰ میلادی در شهر بایزید از شهرهای کردنشین ترکیه چشم به جهان گشود. خانی در پایان کتاب مهم و زین تاریخ تولد خود را چنین بیان می‌کند:

له‌ورا کوو ده‌ماز غ‌یب فه‌ک بوو تاریخ هزار و شه‌ست و یه‌ک بوو^۱
ترجمه فارسی :

زمانی که از غیب (رحم مادر) جدا شدم - تاریخ هزار و شصت و یک بود .

خانی در مدرسه علمیّه مرادیه بایزید به تحصیل علوم قدیمه پرداخت . پس از آن که مقدمات علوم متداوله را در مسقط الرأس خود فرا گرفت ، جهت تکمیل آن به مدارس علمیّه اُرفه orfa ، اخلاط axlât و بتلیس و مصر شتافت و در خدمت مدرسین و علمای اعلام عصر خود تلمذ کرد و سرانجام در علوم قدیمه سرآمد اقران گردید . و چون بر علوم متداوله آن زمان یعنی صرف و نحو و بدیع و بیان و تفسیر و کلام و غیره فایق آمد از طرف مجتهدین مدرسه علمیّه بتلیس به دریافت گواهی نامه افتاء و تدریس نایل شد .

خانی پس از فراغت از تحصیل علوم به زادگاه خود یعنی شهر بایزید مراجعت کرد و تا آخر عمر در همان شهر به تدریس و ارشاد خلق اشتغال ورزید .

۱- رک : مهم و زین خانی ، به اهتمام گیومکریانی ، چاپ سوم ، چاپخانه هه‌ولیر (= اربیل) ، ۲۵۸۰ کوردی ، ۱۹۶۸ میلادی ، ص ۱۸۱ .

خاندان خانی همگی اهل دین و دانش بوده و از خوانین بزرگ بوتان Bötān و بایزید به شمارند، و تخلص خانی از همین جا گرفته شده است.

شیخ الیاس پدر خانی چند سال قبل از تولد خانی از شهر بوتان به بایزید مهاجرت کرد و در آن شهر سکنی گزید.

تاریخ مرگ خانی به درستی روشن نیست و در این باره اختلاف نظر بسیار است. گروهی را عقیده بر این است که خانی در سن ۵۸ سالگی درگذشته و برخی دیگر معتقدند که خانی ۷۴ سال عمر کرده است. آنچه محقق است این است که خانی بیش از ۴۷ سال زیسته است، زیرا بنا به گفته خودش در ۴۴ سالگی مشغول تدوین و تنظیم «مهم و زین» گشته و کار آن سه سال تمام طول کشیده است، چنانکه گوید:

خه تی ته یه سه ر نه ویش ت و سه ره مشق

سی ساله خه تی خه تا دکه ت مه مشق^۱

ترجمه فارسی:

سرنوشت و سرمشق خط تو است - سه سال است که خط خطا

تمرین می کند.

نسیال گه هیسته چهل و چاران وی پیشروئی گوناهاکاران

ترجمه فارسی:

امسال به سن چهل و چهار سالگی رسیدم - من پیشرو گناهکاران

هستم.

خانی در منظومه «مهم و زین» شکوای خود را از اوضاع نابسامان

۱- رك : مهم و زین خانی ، چاپ سوم ، اربیل ، ص ۱۸۰-۱۸۱ .

روزگار خود بیان داشته گوید: در این زمانه ارزش علم و ادب به اندازه‌ی پایین آمده که هیچ کسی حاضر نیست اندیشمندان و دانشمندانی چون عبدالرحمن جامی و نظامی گنجوی را به خادمی خود قبول کند .

چ- بکهم کو و قهوی که ساده بازار نینن ژ قماش را خه ریدار
 یه عنی ژ تمهه ع دراف و دینار هه ریهك ژمهرا وه بوونه دلدار
 گهر علم ته مام بدهی به پوولیک بفروشی تو حکمتی به سوولیک
 که س فا که ته مه یته ری خوه جامی راناگرتن که سهك نزامی

ترجمه فارسی :

چه کنم که بازار دانش کساد است - این قماش را خریدار نیستند .
 یعنی به طمع پول و دینار - هر يك دلدار (=عاشق) ماشده اند .
 اگر تمامی دانش را به پیشیزی بدهی - تو حکمت و فلسفه را
 به نعلینی بفروشی .

هیچ کس جامی را مهتر خود نمی کند - هیچ کسی نظامی را پذیرا

نمی شود .

خانی چون می بیند علم و ادب به اندازه پیشیزی در نظر مردم
 ارزش ندارد بسیار متأثر می شود و برای تسلی خاطر دست به دامن ساقی
 گشته می گوید :

ساقیا جرعه‌ی از آن می گلگون را در جام جم بریز تا جام را
 جهان نما کند و بر من معلوم شود که آیا همیشه وضع بر همین منوال
 خواهد بود ؟

ساقی تو ژ بو خودی که ره مکه یهك جورعه‌ی مه‌ی ده جام جهم که
 دا جام به مه‌ی جهان نما بیت هدرچی مه اراده یه خویا بیت

دا کشف بیت له بهرمه نه حوال حه تتا بیتن مویسه سر ئیقبال
ادبارا مه وئی گها که مالی آیا بوہ قابلی زه والی
یا ههروهه دئی له نهستوا بیت حه تتا وه کو دهوری موتهها بیت^۱
ترجمه فارسی :

ساقیا بهر خدا کرم کن - یک جرعه می در جام جم بریز .
تا جام با می جهان نما شود - هرچه اراده ماست نمایان شود .
تا احوال [جهان] بر ما پدیدار شود - تا اقبال میسر شود .
بدبختی ما در اوج کمال خود می باشد - آیا قابل زوال شده است ؟
یا همچنان در گردن خواهد بود - تا روز رستاخیز بیاید ؟

آثار و تألیفات خانی :

خانی دارای دیوان شعر و تألیفات زیادی بوده ولی متأسفانه بیشتر
تألیفات وی در اثر پیش آمدهای ناگوار از بین رفته است . آنچه امروزه
از آثار خانی در دست داریم عبارتند از :

۱- نهو بهاری پچوکان (نوبهار خردسالان) -
این کتاب فرهنگ منظومی است از عربی به کردی و می توان
آن را هم سنگ کتاب نصاب الصبیان ابونصر فراهی دانست .
این کتاب شامل نه چکامه است، که در وزن و قوافی با یکدیگر
اختلاف دارند . اینک دو بیت از دو چکامه مختلف را به عنوان نمونه در
اینجا نقل می کنیم :

رجل (پیل) و رکبه (ئه ژنۆ) بطن (سک)

صدر (سنگ) و جید (هسته) و عین چاق

ترجمه فارسی :

رجل (پا) وركبه (زانو) بطن (شکم) - صدر (سینه) و جيد (گردن)
عين (چشم) .

اکحل مروقی چاف به کل، اشهل مروقی چاف به لَهک
اشقرو مروقی چاف هیشین، رهنگی گه نم گون اسمره^۱
ترجمه فارسی :

اکحل (مردی که به چشمش سر مه کشیده باشد) ، اشهل (مردی
که چشمش نرگسی و ابلق باشد) - اشقر (مردی که چشمش زاغی باشد) ،
رنک گندم گون (اسمر) است .

خانی این کتاب را در سال ۱۰۹۳ هجری قمری تألیف کرده و آن
به اهتمام شیخ یوسف ضیاالدین پاشا در پاورقی فرهنگ «الهدیه الحمیدیه
الی اللغة الكردیه» به چاپ رسیده است .
۲- عقیده کوردی :

خانی در این کتاب از عقاید اسلامی و اصول دین بحث و عقاید
اسلامی را با زبان بسیار ساده و قابل فهم برای مردم عامی بیان می کند .
تاریخ تألیف این کتاب به خوبی روشن نیست، ولی احتمال می رود که وی
آن را قبل از «مهم و زین» تألیف کرده باشد ، این کتاب در سال ۱۸۹۷
میلادی در شهر استانبول به چاپ رسیده است .

۳- یوسف و زلیخا :

خانی در این کتاب با بیان شیوا و رسا داستان عشقی « یوسف و
زلیخا » را به رشته نظم کشیده و از افسانه های عامیانه و متون فرآنی
بهره برده است .

۱- رك : مقدمه فرهنگ خال، چاپ یکم، سلیمانیه، ۱۹۶۰ .

تاریخ تالیف این اثر نیز روشن نیست. به گفته استاد گیومکریانی، محقق و دانشمند معاصر کرد، این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.

۴- م و زین :

شاهکار خانی می باشد و درباره آن به تفصیل سخن خواهیم راند. خانی غیر از آنچه گفته شد تالیفات دیگری نیز داشته است.^۱ خانی غزلیات شیوایی به زبان کردی دارد، که دانشمند و محقق کرد استاد سید صادق بهاءالدین به گردآوری آنها پرداخته است.

خانی با تالیف م و زین، دین خود را نسبت به زبان و ادبیات کردی ادا کرده است. هر چند در مقدمه م و زین، فروتنی کرده می گوید: من کمتر از آن هستم که بتوانم اثری بوجود آورم که قابل عرضه کردن به جهان ادب باشد :

خانی ژ که مالی بی که مالی	مه بدانی که مالی دیت خالی
یه منی نه ژ قاییلی و خه بییری	به لکی به ته عه سو بی عه شییری
ئینایه نیزام و ئین نزامی	کیشایه جه فا ژ بو وئ عاهمی
دا خهلق نه بیترتن کوو ئه کراد	بی مه عرفه تن بی ئه سل و بنیاد
ئه نواعی ملل خودان کتیین	کرمانج نه نی ده بی حسین
هم ئه علی نه زه نه بین کوو کرمانج	عشقی نه کرن ژ بو خوه ئامانج
بی به ره نه ئهف ژ عشقبازی	فسارخ ژ حه قیقی و مه جازی

ترجمه فارسی :

خانی در کمال بی کمالی - میدان کمال را خالی دید .

۱- رگ، تاریخ الکرد و کردستان، تألیف امین زکی بگ، ترجمه محمدعلی عونی، چاپ قاهره، سال ۱۹۶۱، ص ۳۳۷.

یعنی نه از قابلی و خبیری - بلکه به تعصب عشیری .
 به نظام و انتظام درآورد - در این راه سالیانی رنج برد .
 تا مردم نگویند که کردها - بی معرفت اند ، بی اصل و بنیاد .
 انواع ملل خداوندان کتاب هستند - تنها کردها هستند که از این
 گنجینه بی بهره اند .

هم اهل نظر نگویند که کردها - عشق را برای خود آماج نکرده اند .
 از عشقبازی بی بهره اند - فارغ از [عشق] حقیقی و مجازی .

ترجمه‌هایی که از مم و زین در دست است :

« مم و زین » شاهکار احمد خانی نظر خاور شناسان و محققین را
 به خود جلب کرده و در میان ادبیات جهانی قدر و منزلتی شایسته احراز
 نموده است .

این شاهکار ادبی به زبانهای روسی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی،
 عربی، ترجمه شده و خاورشناسان در معرفی آن به جهان علم و ادب سهم
 به سزایی داشته‌اند .

حال به اجمال به ذکر ترجمه‌های « مم و زین » پرداخته نظر
 مترجمین و خاورشناسان را در این باره بازگو می‌کنیم :

۱- شاید برای اولین بار «مم و زین» خانی نظر «اوژن پریم» و
 «آلبرت سوسن» را به خود جلب کرده باشد، این دو خاورشناس متن مهم
 و زین را با ترجمه آلمانی آن در سال ۱۸۹۰ در کتاب «مجموعه حکایات
 و سروده‌های کردی» به گویش «تورا آبدین» و «بوتان» منتشر و آن را به
 عالم ادبیات معرفی کردند، لکن متنی که «پریم» و «سوسن» انتشار دادند
 ملخص و بطور کلی ناقص است .

۲- «آ. و. ن. لوكوك» در سال ۱۹۳۰ قسمتهایی را از مهم و زین منتشر ساخت که به نظر «رژه لسکو» خاورشناس فرانسوی چندان حایز اهمیت نیست.

۳- «هوگو ماکس» در سال ۱۹۲۶ از قول يك نفر از اهالی «ماردین» واقع در کردستان ترکیه خلاصه‌یی را از متن «مهم و زین» به چاپ رسانید که قابل توجه نمی‌باشد.

۴- خاورشناس فرانسوی «رژه لسکو» در سال ۱۹۴۰ تحقیقات دامنهداری در مورد زبان و ادبیات کردی کرده و نتیجه مطالعاتش را درباره افسانه‌های عامیانه کردی به ویژه افسانه «مهم و زین»، به عنوان جلد دوم کتاب مشهورش «Texts kurds» با همکاری انستیتوی فرانسوی دمشق به نام «مهم آلان» به چاپ رسانیده است.

«لسکو» در بادی امر از متون «Mišō» و امیر جلادت بدرخان، دانشمند و محقق کرد، به عنوان متن اصلی و از متن «صبری» به عنوان متن علی‌البدل استفاده کرده، و از کردهای سوریه که اطلاعاتی درباره افسانه «مهم و زین» داشته‌اند بهره بر گرفته است.

لسکو درباره «مهم و زین» خانی این گونه اظهار نظر می‌کند:

«مهم و زین» خانی به تحقیق یکی از بزرگترین شاهکارهای ادبی کرد و خاورمیانه در نه قرن اخیر می‌باشد. «مهم و زین» خانی بایان ساده و زبان گویایی با خواننده خود صحبت می‌کند و خواننده را از وضع اجتماعی و برگزاری مراسم و طرز تفکر مردمان آن زمان آگاه می‌سازد. «لسکو» در مقدمه کتاب خود تابلویی از اختلاف متون و مقایسه نسخه از گویشهای متنوع کردی که در کردستان سوریه به دستش رسیده

است، بدست می‌دهد. و این تابلوشاخص خوبی برای مطالعه متون مختلف به شمار رفته از اهم کارهای تحقیقی در مورد «مهم و زین» می‌باشد.

۵- پروفیسور «اسکارمان» خاورشناس و محقق آلمانی در سال ۱۹۰۳-۱۹۰۹، متون جالب و ارزنده‌یی را ازگوش مکریان جمع‌آوری کرده که یکی از این متون، متن عامیانه مهم و زین است. اسکارمان می‌گوید: مهم و زین ارزنده‌ترین اثر ادبی کرد می‌باشد.

۶- «الکساندر ژابا» خاورشناس روسی که در شهر «ارض روم» عضو کنسولگری روسیه بود، پس از آشنا شدن با زبان کُردی ترکیه، و دسترسی پیدا کردن به «مهم و زین» خانی شیفته و مجذوب آن شد و به بیان جزیل و عبارات رسا، نقدی بر مهم و زین خانی نوشته است، و آن را به زبان فرانسوی ترجمه نمود. متأسفانه اثر «ژابا» تا سال ۱۸۵۹ منتشر نشد و در این سال «لیرخ» خاورشناس فرانسوی آن را به چاپ رسانید.

۷- «رودنکو» خاورشناس معاصر شوروی در سال ۱۹۲۶ مهم و زین‌خانی را به زبان روسی ترجمه کرده و متن کُردی و ترجمه روسی آن را در یک مجلد به چاپ رسانیده است. رودنکو در مقدمه کتاب خود نقد بسیار جالب و مفصلی بر مهم و زین خانی نوشته است و در پایان تحقیقات خود درباره «مهم و زین» خانی این چنین اظهار نظر می‌کند:

«مهم و زین» احمد خانی در زمره بزرگترین شاهکارهای ادبی جهان است، و درکمال اطمینان می‌توان اذعان داشت این اثر جاویدان خانی، همسنگ شاهنامه فردوسی و ایلیاد و ادیسه «هومر» می‌باشد.

۸- «ئوریلی Urbily» خاورشناس گرجی، در مقدمه کتابی که به مناسبت سالروز درگذشت «روستافیلی Rostâfily» شاعر شهیر گرجی

انتشار داده خانی را در زمره فردوسی به شمار آورده است .

تأثیر و تجلی مم و زین در ادبیات کردی

مم و زین شاهکار احمد خانی در فرهنگ و ادب کردی نفوذ کرده و تأثیر گذاشته است و شعاع عمل آن بیشتر از آن است که بتوان بطور شایسته و مطلوب در آن باره سخن گفت ، لکن در اینجا به طور مختصر تأثیرات مهم و زین را در ادبیات کرد اعم از کلاسیک و عامیانه بازگو می کنیم .

در مهم و زین خانی نکات دقیق و دستورات عالی اخلاقی زیاد به چشم می خورد که به علت زیبایی و جاذبه بی که داشته است به صورت تمثیل بر سر زبان خاص و عام افتاده است .

مهم و زین در ترانه های عامیانه نیز نفوذ کرده و شاعر عامی غالباً این دو را به عنوان مشهورترین عاشقان و با وفاترین آنان شاهد می آورند .

حالی بووی له له ز زینیم
 یه خهت لاده بت بینیم
 چم کردوو که زال گیان ده کولیننپوه برینیم
 خو من وه کاکه مهمیم، عاشق به خاتوزینیم^۱

ترجمه فارسی :

ازل رزش و ارتعاش من حالی شدی - یقهات را کنار بزن تا ترا بینیم .
 که زال^۲ جان چه کرده ام زخم مرا خراش می دهی - من مانند کاکه مهم ام، شیفته و عاشق خانو زین می باشم .

۱- از ترانه های آواز خوان هنرمند آقای محمد مامله است .

۲- که زال ، نام است برای دختران .

مهم و زین در ادبیات کلاسیک کردی نفوذ کرده، به طوریکه تمام آثار ادبی را تحت الشعاع خود قرار داده، و به ندرت می‌توان دیوانی را پیدا کرد که از مهم و زین خانی متأثر نشده باشد. اینک برای روشن کردن مطلب از سه متن مختلف کردی که هر سه به زبان کردی مکر یانی یا سورانی است نام می‌بریم:

۱- مهم و زین عامیانه رحمن بکر که در سال ۱۹۰۳ آن را به پروفیسور اسکارمان خاورشناس شهیر آلمانی دیکته کرده است. قدر مسلم آن است که این بیت از کردستان ترکیه بوده و به زبان سورانی یا مکر یانی ترجمه شده است.

۲- مهم و زین اثر حاج توفیق معروف به «پیره میرد» مرحوم علامه استاد «پیره میرد» سلیمانی، بالهام گرفتن از مهم و زین خانی نمایشنامه (مهم و زین) خود را به نظم درآورد، مهم و زین پیره میرد بدون تردید یکی از بزرگترین شاهکارهای ادبیات کردی به شمار می‌رود.

۳- مهم و زین هزار:

عبدالرحمن شرفکندی متخلص به هزار در سال ۱۹۵۸ مهم و زین خانی را از گویش «بادینانی» به گویش «مکر یانی» برگردانده، و در سال ۱۹۶۰ به چاپ آن اقدام نمود. هزار در مقدمه این کتاب می‌گوید: اینک من مهم و زین خانی را از کردی به کردی ترجمه کردم، به دلایل فراوانی است که اهم آنها عبارتند از:

۱- چون مهم و زین خانی مشحون از لغات ثقیل عربی و

ترکی بود.

۲- احتمال ميرفت به مرور زمان مردم از فهم مطالب بکر و تشبیهات آن عاجز شوند .

۳- با ترجمۀ آن به کُردى سره ، به جاودانگى آن کمكى شده و به ديگرگونه آن را به جهان ادب معرفى کرده ام .

حال قطعه شعری را از آن به عنوان نمونه در این جا می آوریم :

ئهی بوونه یی بوونی دو جیهانان

میوانی خودا له عاسمانان

شابازی و پاتهخت مه دینه

شانازی به تویه ئه م زه مینه

له وزه ی' هه مووکس به دوره کردهت

قامک ده نوینی مانگ ده بی لهت

ئاماده کراوه ئه سپی بال دار

دا خوازه به دل که توی بی سوار

تیزتر له برسکه بهک بهره وته

سهرداری فرشته پیش جله وته

جی بئله بئندی عاسمانی

نیز یکی خودا به ئی که وانئ

به و جی که ده چی که سی نه گه یوه

بی پهرده له گه ل خودا پیه یوه

بخوازه نیاز ژه وا ده بن بو ت

بیدوینه گه لئ له مدر گه لی خوت

۱- این واژه به صورت «وزوه» به معنی طاقت ، قدرت، ازین، در فرهنگ

مهاباد ضبط شده است .

ترجمه فارسی :

ای هستی هست هر دو جهان - میهمان خدا در آسمانها .
 شهبازی و پایتخت تو شهر مدینه است - این زمین به وجود تو
 افتخار می کند .
 کردار تو از هر کسی ساخته نیست - انگشت نشان میدهی ، و ماه
 دو نیمه میشود .
 اسب بالدار آماده کرده شده است - خواستگار است از ته دل که
 تو بر آن سوار شوی .
 از برق تندروتر در راه رفتن - سردار فرشتگان پیشاهنگ تو است .
 بر جای بگذار بلندی آسمان را - نزدیک خدا شده ای به اندازه
 زه یک کمان .
 آن جای که تو می روی کسی بدان جایگاه نرسیده است - بی پرده
 با خدای تکلم و گفت و گوی کن .
 بخواه نیازمندیهایت را ، بر آورد می شوند از برای تو - با وی
 صحبت و گفت و گو کن از برای امت خویشتن .